

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم
شماره ۲۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ مارس ۲۰۱۹

یاری به سیلزدگان میهن ما یک وظیفه ملی است

میلیونها مردم میهن ما در اثر وقوع سیل بی‌خانمان شده و به یاری سایر همیهان نیاز دارند. در درون کشور کمیته‌های خودساخته مردمی برای امدادسانی ایجاد شده‌اند. دامنه این سانحه طبیعی به آنجهت دارای چنین وسعت و عمق است زیرا که رژیم جمهوری اسلامی فاقد یک مدیریت کاردان و در این رابطه مدیریت بحران است. آنها فقط به جیب خود می‌اندیشند و نه سرنوشت مردم.

مشتی آقازاده که فرزندان "حرامزاده" انقلاب هستند، بدون کاردانی و کیاست لازم و تنها به صرف وفاداری به نظام چپ‌ولگر اسلامی بر راس امورند و با دیده تحقیر به مردم ایران نظر می‌اندازند و تنها در محافل در بسته خود زندگی می‌کنند. این وضعیت نابسامان مردم آسیب دیده؛ با تحریم های مردم؛ با تحریم امپریالیسم آمریکا برضد مردم ایران تشدید شده است. اتحادیه فریبکار اروپا و حامیان اروپائی "برجام" که مدعی حمایت از ایران هستند، تنها یک میلیون یورو برای خالی نبودن عریضه جهت کمک به حلال احمر ایران در نظر گرفته‌اند که از این یک میلیون ۳۰۰ هزار یورو آنرا دولت آلمان به صورت غذا؛ چادر؛ قایق به ایران ارسال کرده است. البته از دارو خبری نیست. یک میلیون یورو برای اتحادیه اروپا پولی است که به "گدا" می‌دهند و توهین به مردم ... ادامه در صفحه ۲

قهر الهی یا سوء مدیریت جمهوری سرمایه‌داری اسلامی

جمهوری اسلامی مسئولیت مستقیم تخریب محیط زیست در ایران را به عهده دارد. میلیاردها سال طول کشیده تا در کره خاکی میان اجزاء تشکیل دهنده آن تعادلی مستقر شده است. هر بار این تعادل برهم خورده؛ قهر طبیعت آنرا به صورت "سابق" با نیروی قدرتمندی به توازن در آورده است.

انسانها در طبیعت دخالت می‌کنند و آنرا برای رفع نیازمندیهای زندگی خود مورد دستکاری قرار می‌دهند. بشر اولیه بر این اساس عمل کرد و زنده ماند. ولی آن دستکاری محدودی که توسط تعداد معدودی انسانها در طبیعت در گذشته دور به عمل می‌آمد و یا در روند طبیعی تحول آن دخالت می‌کردند، با دخالت بشر در قرن بیست و یکم که میلیاردها انسان بر روی کره زمین زندگی می‌کنند و بشریت به فنآوری مدرن دست یافته است، ماهیتا فرق کرده است. به علت وجود مبارزه طبقاتی و تکامل شیوه‌های تولید در اقتصاد؛ ما امروز با پیدایش اشکال سازمان یافته غارت و چپاول روبرو هستیم که در قالب تراستها؛ کنسرنها؛ شرکت‌های چند ملیتی و... ظاهر می‌شوند که برای تامین کسب سود حداکثر به غارت کشورها و منابع طبیعی آنها و نابودی محیط زیست دست می‌زنند. این دستکاری و دخالت عمیق و گسترده در ثروتهای طبیعی بشری؛ تعادل طبیعت را برهم می‌زند و طبیعت برای حفظ مجدد تعادل خود طغیان می‌کند. سیل؛ توفان؛ ریزش کوه و زمین؛ کمبود اکسیژن و افزایش گازهای گلخانه‌ای و... همه نمونه‌های از بحرانی است که در طبیعت بوجود آمده و اساسش بر غارت سرمایه‌دارانه است.

مارکسیست لنینیستها همواره مانع می‌شوند که شرکت‌های کلان خصوصی به ثروتهای بشری دستبرد زنند و جنگلها؛ کوهها؛ معادن؛ آبها و... را بطور خصوصی برای کسب سود حداکثر نابود کنند. زیرا به این ترتیب هستی بشریت مورد تهدید مشتت سودجو و شرکت‌های کلان مالی قرار می‌گیرد که با شعار مالکیت خصوصی مقدس است، مالکیت عمومی را نابود می‌کنند. انسانها در عین حال آموخته‌اند که می‌توانند از نیرو و انرژی طبیعت با تسلط بر دانش بشری در خدمت ترقی و تحول جامعه برخوردار باشند. استفاده از نیروهای آب رودخانه‌ها؛ نیروی آب آشپز و یا باد؛ استفاده از جذر و مد دریا برای تولید انرژی؛ سدسازی و استفاده بهینه از آبهای رو و زیر زمینی و... از این قبیل است. ... ادامه در صفحه ۲

گانگسترهای جهانی امپریالیستی به جهان و به ایران زور می‌گویند

حتما تا کنون این دروغ بزرگ را از جانب آمریکا؛ اروپا؛ اسرائیل و عربستان سعودی و مهمتر از همه ایرانی‌های جاسوس و خودفروخته شنیده‌اید که ایران از این جهت مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته است که خواهان ساختن بمب اتمی بوده است.

دولت جمهوری اسلامی تنها برای حفظ سلطه آخوندی خودش با خیانت به منافع ملی ایران به "برجام" تن در داد و از خیر کسب دانش و فنآوری هسته‌ای و پژوهشهای مربوطه در این زمینه دست برداشت و از حق مسلم خویش که دارای اعتبار جهانی و ثبت شده است با خفت و خواری صرف‌نظر کرد.

ما بارها گفته و تکرار می‌کنیم وقتی دولتی از روی ضعف و با خفت انگشت دست خود را به کام گرگها فرو کرد تمام دستش را خواهند بلعید.

آمریکا برخلاف تعهدات جهانی از "برجام" خارج شد. در حقیقت "برجام"ی دیگر وجود ندارد، زیرا این قرارداد یکطرفه و غیر قانونی باطل شده است و دولت مرتجع ایران مابازائی برای این خروج دریافت نکرده است. صنایع هسته‌ای ایران مورد مراقبت سخت و از کار افتاده است، ولی آمریکا و اسرائیل به خواسته‌های مرحله‌ای خود رسیده‌اند.

اتحادیه اروپا در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ و پس از ۹ ماه تعلل؛ مذاکره و انتظار سرانجام ساز و کار ویژه تجارت با ایران را آنهم با ظرفیت محدود برای مقابله با تحریم‌های آمریکا؛ آن هم نه برای تبادل پول؛ بلکه برای تامین غذا و دارو راه اندازی کرد و در حالی که هنوز معلوم نیست این «کانال ویژه مالی» تا چه میزان بر خریداران نفت ایران و مشارکت بازرگانان در تجارت با این کشور تاثیر خواهد گذاشت، آلمان؛ فرانسه و بریتانیا از تهران خواسته‌اند تا «هر چه سریع‌تر به تمامی تعهدات خود در چهارچوب مفاد اف‌ای‌تی‌اف FATF عمل کند».

دول اروپائی که مدعی پایبندی به این توافق بودند و خود تاکنون به این تعهدات عمل نکرده‌اند، از ایران می‌خواهند:

"هر چه سریع‌تر به تمامی تعهدات خود در چهارچوب مفاد اف‌ای‌تی‌اف FATF عمل کند"

اروپا با این تهدید به این ترتیب ابتکار عمل را به دست گرفته و خواسته‌های ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

یاری به سیل زدگان...

ایران است. با این پول می‌شود در برلن؛ پاریس و یا مونیخ یک خانه به مساحت ۱۳۵ متر مربع خرید.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد: «با توجه به بلوکه بودن حسابهای هلال احمر هیچ شهروند خارجی یا ایرانی مقیم خارج نمی‌تواند کمکی به مردم سیل‌زده ارسال کند... این اقدام آمریکا در آستانه سالگرد خروج آمریکا از برجام نشان‌دهنده رویکرد ضد مردمی دولتمردان این کشور علیرغم شعارها و ادعاهای مسخره آنهاست که می‌گویند تحریم‌ها بر ضد مردم ایران نیست و به نفع مردم ایران است... معمولاً حتی در شرایط سخت و اضطراری تمام سیستم‌های بانکی مسدود نمی‌شوند و امکان ارسال کمکهای بشردوستانه و انسانی به مردم از طریق نهادهایی مثل صلیب سرخ و هلال احمر فراهم می‌شود اما آمریکا در یک رویکرد ضد انسانی و ظالمانه تمام مسیرهای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده را مسدود کرده است... نهادهای امدادرسان مثل صلیب سرخ و هلال احمر در روزهای اخیر اعلام کرده‌اند که نمی‌توانند کمکهای خود را به هلال احمر جمهوری اسلامی ارسال کنند و به نظر می‌رسد آمریکا در صدد ممانعت از ارسال کمکهای انسان‌دوستانه به مردم سیل‌زده است.»

در حالی که مقامات ایرانی پته آمریکا را به روی آب ریخته‌اند، حساب رسمی وزارت امور خارجه آمریکا در توئیتر خود با بی-شرمی کامل وقوع سیل را به مردم ایران تسلیت گفت و اعلام کرد: «ما مانند همیشه آماده کمک هستیم...» تزویر از سرپای آمریکا می‌بارد که مورد تائید نوکران آنها و جاسوسان ایرانی در شبکه مجازی است.

بنا بر اعلام خبرگزاری فارس، رئیس جمهور ایران روز چهارشنبه در جمع شماری از وزرا و مدیران دستگاههای اجرایی و نمایندگان مجلس گفت:

«اینکه از ورود کمکهای خارجی به ایران جلوگیری می‌کنند و هلال احمر ما در این شرایط سخت نمی‌تواند کمکهای ارسالی از دیگر کشورها را دریافت کند، یک جنایت بی‌سابقه است.»

روز سیزدهم فروردین محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در پیامی توئیتری با اشاره به تاثیرپذیری کمک‌رسانی هلال احمر به سیل‌زدگان از فشارهای غیر قانونی دولت آمریکا نوشت:

«سیاست فشار حداکثری ترامپ که نقض صریح قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و دستور دیوان بین‌المللی دادگستری است، در کمک‌رسانی هلال احمر ایران به تمامی مناطق آسیب دیده از سیل بی‌سابقه اخلاص ایجاد کرده است. از جمله اقلام ممنوعه، بالگردهای امداد است. این فقط جنگ

اقتصادی نیست؛ این تروریسم اقتصادی است.»

به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه ایران:

«نهادهای امداد رسان مثل صلیب سرخ و هلال احمر در روزهای اخیر اعلام کردند نمی‌توانند کمک‌های خود را به هلال احمر ارسال کنند و به نظر می‌رسد آمریکا در صدد ممانعت از ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم سیل‌زده است.»

در کنار این تحریمها مشتکی سازمانهای ایرانی خودفروخته وجود دارند که از تحریمها برضد مردم ایران حمایت کرده‌اند. سازمانهای مجاهدین خلق؛ همدستان رضا پهلوی و شاه‌اللهی‌ها؛ حزب کمونیست کارگری و دارو دسته مریدان منصور حکمت در سایه روشنهای گوناگون؛ سازمان فدائیان اقلیت از این زمره‌اند.

هموطنان عزیز! ارسال کمک مالی به ایران از طرق معمولی امکان پذیر نیست. حزب کار ایران (توفان) از طریق امکانات مورد اعتماد خویش در پی آن است که حلقه تحریمهای امپریالیستی را دور زده و با نفی نهادهای امدادرسانی دولتی جمهوری اسلامی؛ مستقیماً به کمیته‌های امداد مردمی در ایران یاری رساند. از شما هموطنان تقاضا می‌کنیم برای حمایت همه جانبه از مردم ایران و تسکین الام آنها؛ به این فراخوان ما پاسخ مثبت دهید و به حساب بانکی حزب که در نشریه توفان اعلام شده است کمکهای خویش را واریز نمایند و مشخص کنید که این کمکها برای سیل‌زدگان است. ما به نام مردم ایران قبلاً از همه ایرانیان میهن‌دوست تشکر می‌کنیم. حساب مردم ایران با حساب جمهوری اسلامی یکی نیست.

قهر الهی یا سوء مدیریت...

می‌توان از فناوری مدرن و دانش بشری برای بهبود شرایط زندگی بشر؛ آگاهانه استفاده کرد و با دوراندیشی به جبران آنچه پرداخت که مورد استفاده قرار گرفته است و مایزائی برای آن یافت تا نسلهای آتی نیز بتوانند از این مزایا برخوردار باشند و می‌توان هم تمام این دانش و فناوری را با بی-خیالی برای تخریب مالکیت عمومی و عرضه جهالت صرف به‌کار گرفت و برای سرمایه‌های خصوصی ثروت‌اندوزی کرد و مدعی شد بعد از ما چه دریا چه سراب. این سرنوشت ممالکی است که به دانش بشری ارزشی نمی‌گذارند و از کار کارشناسی بَری هستند. آنها تنها به سود؛ حفظ موقعیت لحظه‌ای اجتماعی؛ فرار به کانادا و... می‌اندیشند.

زمانیکه بعد از استقرار جمهوری اسلامی در شهر طبس زلزله آمد، آقای آیت‌الله منتظری این قهر طبیعت را به حساب

آزمایش الهی گذارد که می‌خواهد ما را امتحان کند. این تفکر عقب‌مانده در کنار دزدها؛ کلاشان؛ غارتگران و... وضعیتی ایجاد کرده است که ما امروز در ایران بلا دیده با آن روبرو هستیم.

هر عقل سلیمی می‌فهمد که برج سازی در ایران و یا تصویب تراکم در ایران زلزله خیز به ویژه در تهران خطرناک است و باید تا آنجا که ممکن است از اشاعه آن جلو گرفت، ولی پارتی بازی؛ رشومه‌خواری؛ چپاول؛ سودجویی؛ غارت اموال عمومی؛ خصوصی‌سازی های ثروتهای ملی انگیزه-هایی هستند تا چنین برنامه‌هایی را برای کسب سود غارتگرانه حداکثر فراهم کنند.

بر اساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور؛ ۷۰٪ از جنگل‌های استان گلستان در اختیار شرکت‌ها و نهادهای صاحب نفوذ است. از جمله:

حوزه علمیه گرگان: ۴۷۰۱۳ هکتار.

لشکر ۲۵ کربلا (سیاه): ۱۳۰۰۰ هکتار.

موسسه پیشگامان سازندگی: ۸۶۹۰ هکتار.

آستان قدس: ۹۹۱ هکتار.

سیاست جنگل‌زدایی؛ ویلاسازی بی‌رویه توسط آقازاده‌ها؛ فروش زمینهای حاصلخیز روستاها برای ساختمان سازی بدون برنامه در شهرها با قدرت اعمال نفوذ مدیران اسلامی؛ تعریض بی‌رویه خیابانها و جاده‌ها برای تقویت صنایع اتومبیل‌سازی خصوصی به جای تقویت وسایل حمل و نقل عمومی و یا اقدامات غیرقانونی همه گوشه-ای از سیاستهای مخرب و غارتگرانه رژیم جمهوری اسلامی هستند که به هر قیمتی در پی حفظ تسلط خویش است و نه به فکر رفاه و آسایش مردم.

آنها به سرزمین ایران مانند کشوری اشغالی برخورد می‌کنند که آینده آن به آنها مربوط نیست. آقازاده‌ها و اولیاءشان سر بزننگاه ایران را به مقصد کانادا ترک می‌کنند و از هم اکنون راههای فرار خویش را با گرفتن وکیل و بازکردن حسابهای بانکی و اعزام فرزندان خویش به کانادا و ممالک نظیر باز کرده‌اند.

کارشناسان زمین‌شناسی معتقدند که ششصد سدی که در ایران بعد از انقلاب ساخته شده است، همگی بدون پژوهش و کارشناسی علمی صورت گرفته‌اند. در گزارشی آمده است که این اواخر در تهران نیز دو مسیر اصلی آب شهرآراء و شهرک کن که از اطراف شهر عبور می‌کرد به دلیل ساخت بناهای متعدد مسدود شده است. این بی-برنامگی در سیاست شهرسازی و شهرداری به‌چشم می‌خورند زیرا نیروهای بر مسند کارند که به جیب خود می‌اندیشند و نه به منافع مردم ایران. این عده بر سرکارند زیرا با ریاکاری وفاداری خویش را به رژیم ثابت کرده‌اند و نه اینکه از امور علمی مطلعند. به نقل از خمینی

علم... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، بدست مردم ایران

قهر الهی یا سوء مدیریت...

اقتصاد مال خر است و این رهنمود برای آنها حجت است.

در گزارش دیگری که این روزها منتشر شده است آمده است:

"یکی از علل ویرانگری اخیر زمین خواری است. منظور از زمین خواری، تصرف و تصاحب اموال دولتی، منابع ملی و منابع طبیعی مانند جنگلها و سواحل و رودخانه‌ها است. افزون بر آن، به مواردی از اعمال نفوذ برای تغییر کاربری اراضی هم زمین‌خواری می‌گویند. خانه و ویلا ساختن در زمین‌های کشاورزی و صنعتی، سوءاستفاده در تغییر کاربری زمین‌های متعلق به نهادهای دولتی، تغییر کاربری باغها برای ایجاد دستگاههای ساختمانی گرانقیمت، همه جزو زمین‌خواری می‌باشد. باید توجه داشت که تصرف زمین نیازمند اطلاعات لازم و استراتژیک است. بنابراین استفاده از «رانت اطلاعاتی» شبکه‌های نفوذی به عنوان یک راه اجرای زمین‌خواری مطرح است. قصد تملک زمینی که با اجرای یک طرح دولتی افزایش قیمت خواهد داشت نیز زمین خواری یا نوعی سوداگری و بورس بازی زمین تلقی میشود زیرا در چنین شرایط، جامعه از طرح دولت بی‌اطلاع است و محافل پنهانکار وارد عمل توطئه آمیز می‌شوند و به سودجویی کلان دست می‌زنند." دکتر نامدار بقائی یزدی، استاد زیست‌فناوری مقیم بریتانیا می‌گوید:

«دلیل جاری شدن سیل در شهرهای ایران و شدت خسارات وارده به مردم تا حد زیادی به سوء مدیریت و نبود سیستم‌های کنترلی مناسب و به کارگیری صحیح امکانات برای جلوگیری از وقوع سیل مربوط است.» غافل‌گیری مسئولان مدیریت بحران در مواجهه با چنین پدیده‌هایی در حالی به امری عادی بدل شده که کارشناسان مدام در مورد بسیاری از اقدامات و تصمیم‌گیری‌های غیرتخصصی هشدار می‌داده‌اند. در تمام دنیا برای مقابله با قهر طبیعت نه تنها از تجارب گذشته و تجارب سایر کشورها استفاده می‌گردد، بلکه سناریوهای گوناگونی را نیز اجراء می‌کنند تا در صورت وقوع سیل؛ آتش‌سوزی؛ زلزله و غیره آمادگی کامل برای مقابله با این وضعیت را داشته باشند. به همین جهت وقتی جنگلها آتش می‌گیرند به سرعت موفق می‌شوند آتش را مهار کنند تا کمترین خسارت را برسانند. در زمینه سیل و زلزله نیز وضع به همین منوال است. در ایران مدیریت بحران خودش در بحران است زیرا کوچکترین برنامه‌ای در این زمینه ها ندارد و با نظامی که بر ایران حاکم است تا حساب و کتابی در کار نباشد، این وضع تغییر نخواهد کرد. آقای بقائی یزدی در عین حال می‌آزاید:

"راه‌اندازی پانزده کارخانه چوب‌بری در استان گلستان ... از نشانه‌های جنگل‌زدایی و تخریب طبیعت و عامل وقوع سیل" است. روشن است که بریدن درختها راه عبور سیلاب را باز می‌کند و از انشعاب آن ممانعت می‌گرداند و این صرفنظر از معایب دیگری است که چوب‌بری غیرقابل کنترل برای میهن ما دارد. بریدن جنگلها را باید با کاشتن درخت و برنامه ریزی در این زمینه جبران کرد. اگر شرکتها را به حال خود بگذاریم آنها جز زمین سوخته چیزی باقی نخواهند گذارد.

این استاد دانشگاه به مثال جالبی اشاره کرده است که بازگویی آن برای یادآوری اهمیت دارد. سد گتوند استان فارس را مثال می‌زند که در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و در نزدیکی کوه نمک ساخته شد، ولی در اثر جمع شدن آب پشت دریاچه؛ کوه نمک ریزش کرد و حفره‌ای در زمین به وجود آورد که کارایی سد را از بین برد و آبی هم که پشت سد بود به نمک آلوده و شور شد.

انجام این پروژه‌ها که اکثراً غیراصولی‌اند و توسط مدیران سودجو و آقازاده‌ها اجراء می‌شوند، صرفاً برای دریافت پورسانت (منظور رشوه است-توفان) است که این نوع پروژه‌ها را طرح ریزی می‌کنند.

بر اساس اسنادی که منتشر شده است و ویدئوی آن در شبکه مجازی در دسترس است رژیم جمهوری اسلامی خاک ایران را به امارات متحده عربی می‌فروشد. این سیاست سیاست دوران پادشاهان قاجار است که دریای خزر را به علت داشتن "آب شور" بی‌ارزش می‌دانستند. با همین منطق نفت و گاز "متعفن" ایران را نیز می‌توان به بیگانگان بخشید.

آقای حسین بشارتی عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات خاک و آب خیر داده است که از چند سال پیش قاچاق خاک ایران شروع شده و طی آن یک سری افراد سودجو با بهانه‌های مختلف خاک حاصلخیز کشور را جمع‌آوری و به کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می‌کنند تا صرف ساختن جزایر مصنوعی شود. این عمل در برخی موارد به بهانه صادرات محصولات گلدانی یا در پوشش سیمان نیز انجام می‌گیرد.

صدور خاک ایران به امارات تنها خسارت اقتصادی به بار نمی‌آورد، بلکه دارای نتایج و عواقب راهبردی در منطقه است. این سیاست باعث تقویت صنعت توریسم در این ممالک و تصاحب بخشی از خلیج فارس به ضرر ایران می‌گردد و با جلوگیری از گردش آب در خلیج فارس به صورت تاریخی طبیعی؛ تغییرات اقلیمی در ایران را موجب می‌گردد. صدها هزار ایرانی جانباخته با صدام حسین جنگیدند تا آنها به خاک ایران دست نیابند، ولی آخوندها همان

خاک را برای تامین منافع خصوصی خویش به حراج گذارده‌اند. در سال ۱۳۹۲ یعنی ۶ سال پیش برخی نمایندگان مجلس از صادرات خاک حاصلخیز استان‌های بوشهر و هرمزگان به کشورهای حوزه خلیج فارس خبر دادند. ولی مسئولان دزد و خاندان لاریجانی که مقامهای کلیدی را در دست دارند به جای بررسی و پیگیری مسئله گفتند «امکان قاچاق خاک کشاورزی وجود ندارد».

صحبت از مقدار خاک کمی نیست که قاچاق می‌شود، آنچه که در روز روشن دزدی می‌گردد سازمانیافته بوده و سرمایه‌های عظیم پشت آن خوابیده‌اند. قاچاق خاک ایران با تریلی‌های ۱۸ چرخ انجام می‌شود که مرتب خاک را پر کرده به اسکله‌ای در خلیج فارس می‌رسانند که توسط کشتنهای عظیم به امارات صادر می‌شوند. ناظر این مسئله که فیلمی نیز تهیه کرده است می‌گوید این عملیات: "بدون چشم هم قابل ردیابی است؛ بس که سر و صدا دارند! اما معلوم نیست که چرا این هیبت و این سر و صدا را آنهایی که باید بشنوند، نمی‌شنوند!". روشن است که چرا این وضعیت وجود دارد. زیرا پلیس راه و مرزبانان دریایی؛ گمرکی و سپاه پاسداران و مقامات دولتی و روحانیت همه با هم در این دزدی دست دارند و سرشان در یک توپره است.

برای اینکه به ابعاد فاجعه پی‌ببرید به گفته کارشناسان استناد می‌کنیم:

"کارشناسان محیط زیست و زمین‌شناسی می‌گویند ۶۰۰ سال زمان نیاز است تا یک سانتی‌متر خاک تولید شود. دستداران این آب و خاک نیز شاید بگویند برای پاسداشت هر یک سانتی‌متر خاک این سرزمین، خون عزیزترین فرزندان بدن آمیخته شده است!". (تکیه از توفان).

این وضعیت است که در ایران بحران ایجاد می‌کند و مقامات و مسئولان قادر نیستند با آنها مبارزه کنند. ما با بحران مدیریت بحران در ایران روبرو نیستیم با نظامی در ایران روبرو هستیم که خودش بحران-زاست. مسئولیت ابعاد وسیع فاجعه‌ای که در ایران بوجود آمده است را نمی‌شود به قهر طبیعت مربوط کرد و یا آنرا "غضب الهی" دانست. مسئولیت مستقیم این وضع به عهده مسئولان جمهوری سرمایه‌داری اسلامی است که فقط به فساد و مال‌اندوزی خود می‌اندیشند و کعبه آملشان کشور کاناداست.

مضحک‌تر از همه گفتار نتانیاهو است که بیکباره دلش برای سیل زدگان ایران به سوزش افتاده و مایل است برای رفع مشکلات به ایران کمک کند. این ادعا را قاتلی انجام می‌دهد که آب را بر روی فلسطینی‌ها بسته و میلیونها مردم فلسطین را کشته و آواره نموده و سرزمینشان را اشغال کرده است. این... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

قهر الهی یا سوء مدیریت...

ادعا را کسی می‌کند که نقش اساسی در تحریمهای اقتصادی ایران داشته و نفس وجودش در منطقه بحران‌زا و ضد بشری است. این ادعا را کسی می‌کند که قصد داشت در سال ۲۰۱۲ به ایران حمله کند و کشور ما را با یاری آمریکا با خاک یکسان نماید. دلسوزی نتانیاهوها برای ایران دلسوزی گرگ است. اتفاقا ما به ایرانی نیازی داریم که در راس آن حکومتی انقلابی باشد که بر این فجایع و بحرانا نقطه پایانی بگذارد و منطقه را از وجود ناپاک نتانیاهوها پاک کند.

گانگسترهای جهانی...

خویش را به ایران دیکته می‌کند که چکار بکند و چکار نکند. تحقیری از این بالاتر وجود ندارد. دولتی که به مردمش متکی نباشد همیشه مورد تحقیر و توهین است. با این حال مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه خود تصمیم گرفت تا بررسی پیوستن ایران به این کنوانسیون بین‌المللی را سال ۱۳۹۸ در دستور کار خود قرار دهد. این در حالی است که اخیرا گروه ویژه اقدام مالی به ایران فرصتی چهار ماهه داده تا قوانین مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم را تصویب کند.

اروپا که خود را به قرارداد "متعهد" نشان می‌دهد، این نقش را تنها برای بازی دادن ایران و مهار کشور ما بازی می‌کند. تمام تلاش آنها این است که نگذارند ایران به فناوری هسته‌ای دست پیدا کند. آنها به ایران دلداری می‌دهند که مخالف تحریمها هستند و می‌خواهند اخلال در انتقال ارز ناشی از فروش نفت برای خرید کالا را که آمریکائی‌ها کنترل می‌کنند، دور بزنند. این دروغ محض است. آنها می‌خواهند سازمانی برای کنترل و مهار ایران ایجاد کنند که خودشان ارباب آن باشند و نه آمریکا. نخستین هنر آنها این بوده که ماهها بعد از تهدید آمریکا؛ به ایران "مژده" داده‌اند که ایران قادر است با دور زدن حلقه تحریمها غذا و دارو به کشورش وارد کند و باید آنها را از آلمان؛ فرانسه و یا بریتانیا بخرد. یکی از مقامات ایرانی به‌درستی اشاره کرد که مگر اساسا "غذا و دارو" هم جز کالاهای تحریمی بوده است که حال ما باید آنها را از طریق "کانال ویژه مالی" (اینستکس (INSTEX) بخریم.

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز اعلام کرد که هر چه رفتار گروه ویژه اقدام مالی «سازنده‌تر» باشد می‌تواند بر تصمیم‌گیری مجمع تاثیر بگذارد.

وی در ادامه این تذکر افزود: «رفتار

اروپایی‌ها هم بر تصمیم‌گیری اعضاء مجمع اثر می‌گذارد. کلا ما از رفتار اروپایی‌ها راضی نیستیم، در برجام تعهدات مهمی از جمله خرید و فروش نفت و تاسیس شعبات بانکی وجود دارد که باید به آن‌ها پرداخت. به هر حال رفتار اروپایی‌ها در نظرات اعضاء مجمع می‌تواند اثر گذار باشد». از این اظهار نظر برمی‌آید که اروپایی‌ها به تعهدات خویش اساسا عمل نمی‌کنند و فقط نیت شوم خود را به ایران با زور تبلیغات تحمیل می‌نمایند.

نشریه اشپیگل در آلمان (شماره ۴۹ مورخ ۲۰۱۸/۱۲/۰۱) می‌نویسد که شرکت تلفن آلمان "تلکوم" (Telekom) به موسسه بانک ملی ایران در هامبورگ خبر داده است که تلفن و ارتباط شبکه مجازی وی را فورا قطع می‌کند. بانک ملی ایران در آلمان دارای امتیاز فعالیت از جانب مقامات مسئول آلمانی است. قطع تلفن و ارتباط با شبکه مجازی؛ مرگ یک موسسه مالی است. دادگاه هامبورگ این اقدام شرکت "تلکوم" را نادرست دانسته و از انجام آن فعلا جلو گرفته است. این نشریه می‌نویسد تنها در آلمان دهها موسسه مالی و شرکتهای ایرانی از جمله بانک تجاری ایران و اروپا و بانک سپاه با تهدید قطع تلفن و اینترنت از جانب موسسه "تلکوم" روبرو شده‌اند. این شرکت آلمانی مدعی شده است که تهدید به قطع ارتباطات ناشی از این بوده است که می‌تواند آنها قادر به پرداخت قبض تلفن نباشند. وقتی این شرکتها حتی حاضر شده‌اند مخارج سالانه را از پیش بپردازند باز هم "تلکوم" از سیاستش دست برنداشته است. به قول نشریه شرکت "تلکوم" بیشتر از فشار آمریکا می‌ترسد تا عدم پرداخت قبض تلفن.

دولت آلمان که حاضر نیست جلوی منافع شرکتهای آلمانی را برای حفظ تعهدات جهانی خود بگیرد چگونه می‌خواهد تحریمها را دور بزند؟ این یک بازی سیاسی و به‌دراز کشاندن مسئله است تا نقض قرارداد آنها از افکار عمومی پنهان بماند و منافع ایران در طی زمان پایمال گردد.

سه کشور اروپایی که هنوز به تعهدات خویش عمل نکرده‌اند در صحبت‌های خود مجددا تاکید می‌کنند که تلاش‌هایشان برای حفظ مفاد اقتصادی "برجام" منوط به اجرای کامل تعهدات ایران در زمینه هسته‌ای و از جمله همکاری کامل و به موقع این کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

آنها با هر بیانی تفسیر جدیدی از وظایف "کانال ویژه مالی" (اینستکس) می‌دهند از جمله اینکه گویا استفاده از این ابزار درجه بندی شده بوده و هدفش در درجه اول تنظیم الویتهاست. این است که در ابتدا با تمرکز بر بخش‌های حیاتی‌تر برای مردم ایران -

مانند دارو، لوازم پزشکی و مواد غذایی- از مبادلات مشروع اروپا با ایران حمایت می‌کنند و برای بخشهای کمتر حیاتی شتابی در کار نیست و مردم ایران باید سماعی بکنند. به این ترتیب کالاهایی که تحریمشان از نظر حقوق بین‌الملل مجاز نیستند از جمله دارو و غذا و حتی اروپایی‌ها نیز آنها را به عنوان بخشهای حیاتی ابراز می‌کنند، بخشی از اقدامات مشروع تلقی شده و اروپایی‌ها هم از تجارت با آن ابائی ندارند. در کنفرانس امنیت امسال در مونیخ خانم مرکل رئیس دولت آلمان به صراحت دیپلماتیک مطالبی با این مضمون را بیان کرد که: منافع ما بیشتر در آن است که ایران را برخلاف سیاست آمریکا به آن سمت هول ندهیم که مجددا در پی استفاده از انرژی هسته‌ای برآید، بلکه بهتر است سرش را گرم کنیم و تکه پاره‌هایی از سفره خود پیششان پرتاب نمایم تا وقت کشی شود و ما به همان نتایجی برسیم که آمریکا می‌خواهد. وی از دو تاکتیک برای نیل به یک هدف صحبت کرد و تاکتیک اروپایی‌ها را بی-خطرتر و موثرتر و برای عموم قابل‌فهمتر نامید.

این است دسیسه‌ای که اروپا برضد ایران و به‌ویژه اصلاح‌طلبان خوشخیال چیده است. با این دسیسه جدید تنها با تکیه بر مردم می-شود مبارزه کرد. طبقه کارگر ایران نیرومندترین مولفه در دفاع از استقلال ایران است. باید فعالیت احزاب و اتحادیه‌ها مستقل کارگری را آزاد اعلام کرد و با بسیج مردم و کسب اعتماد آنها با دشمنان ایران به مقابله برخاست. در درون دستگاه حاکمه ایران راهزنان با ریش و بی ریش؛ کروات و یا بی‌قیفه که همگی مهر داغ را بر پیشانی‌های خویش زده‌اند، منافعشان در آن است که هرج و مرج حاکم باشد تا راه دزدی و فرار به کانادا هموار گردد. آفازدها در این عرصه در همدستی با امپریالیستها فعالند. ریشه همه این نابسامانی‌ها را باید با دخالت مردم در سرنوشتشان خشک نمود.

انضمام "بلندیهای جولان"...

چندمین بار به خاک کشور مستقل سوریه تجاوز کرد و در نزدیکی شهر حلب اهداف مورد نظر خود را بمباران نمود.

نماینده بی‌شرم صهیونیستها در سازمان ملل با وقوف به این امر که انضمام "بلندیهای جولان" به اسرائیل اشغالگر؛ غیرقانونی و مغایر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در این زمینه است، در طی سخنانی در تائید نظریات آمریکا درخواست کرد:

"سایر اعضای شورای امنیت به آمریکا تاسی کنند. ... ادامه در صفحه ۵

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند



طریق انتخابات حکومت را بگیرند" (فاجعه در شرق نوشته آقای میشل لودرز (Michael Lüders)). این آقای آدلسون همراه با سایر یاری دهندگان مالی یهودی به ترامپ به عنوان یک گروه قدرتمند لابی یهودی نظریات خود را چنین تدوین کرده‌اند:

"اورشلیم بخش جداناپذیر و پایتخت ابدی اسرائیل است. مرزهایش از اردن شروع می‌شود و یک سرزمین قابل بقاء فلسطین هرگز نمی‌تواند وجود داشته باشد. در بهترین حالت می‌تواند مناطق جداگانه کوچک و الزاما نه قابل ارتباط بیکدیگر وجود داشته باشند که دارای خودمختاری محدود باشند. سایر بخشهای سواحل غربی اردن؛ یودا و ساماریای توراتی و بویژه مناطق آبادی‌نشینهای یهودی باید به اسرائیل منضم شوند. حقوق ملل بی‌خیال".

مولفه دیگر در این ارزیابی داماد یهودی آقای ترامپ است. این مرد ۳۷ ساله از جانب پدری ثروت هنگفتی از طریق تجارت املاک بدست آورده است از موافقان سیاست توسعه آبادی‌نشینهای یهودی و دوست صمیمی نتانیاهو در اسرائیل است.

خانواده کوشنر در همدستی با صهیونیسم جهانی سازمان‌ها و موسسات اسرائیلی زیر را تحت حمایت مالی قرار داده است:

از جمله ارکستر فیلامونیک اسرائیل "۲۵۰۰ دلار"; آکادمی هنر و طراحی بزالل "۱۰۰۰ دلار"; یونایتد هاتزلا "۷۰۰۰ دلار"; مرکز تحقیقات سرطان اسرائیل "۱۰۰۰۰ دلار"; میرپانیم لاچایل-موسسه‌ای مدافع سربازان اسرائیلی "۴۰۰۰ دلار"; مرکز کودکان شالوا "۲۰۰۰۰ دلار"; بیمارستان معیانی یشوا "۲۵۰۰۰ دلار"; مرکز پزشکی رابین "۲۳۰۰۰ دلار".

آقای لودرز در کنار اشاره به منافع مالی و سیاسی خانواده کوشنر در کتابش می‌نویسد: "در هر صورت استراتژی وی در مسئله خاور نزدیک بسیار ساده است:

اسرائیل و عربستان سعودی را علیه ایران متحد کند؛ مسئله درآوردن فلسطین را با یاری ریاض به نفع اسرائیل حل کند و قبل از هرچیز از پدر زن خود بخواهد که اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت بشناسد." ... ادامه در صفحه ۶

Committee) که

از سرمایه داران یهودی تشکیل گردیده، با کمکهای مالی خویش به یک عامل مهم دخالت در نتایج انتخابات آمریکا بدل شده است. آنها با خریدن نمایندگان کنگره آمریکا و یا اعزام نمایندگان

مستقیم خود به کنگره آمریکا نقش بسیار مهمی در انتخاب رئیس جمهور و تدوین سیاستهای خارجی آمریکا بازی می‌کنند. این نهاد صهیونیستی آمریکائی؛ متحد اسرائیل است، کشوری که سرزمین مردم فلسطین را بیش از ۶۰ سال در اشغال خود نگهداشته و به قتل و غارت این مردم مشغول است و نه تنها با ایجاد چند جنگ در منطقه به توسعه ارضی خویش پرداخته، بلکه مردم فلسطین را به تدریج به مرگ محکوم کرده و روزانه آنها را به قتل می‌رساند. فقط احکام نژادپرستانه و ضد بشری در مورد مردم فلسطین اجراء می‌شود.

اسرائیل به عنوان یک نیروی نژادپرست و اشغالگر هر روز به توسعه مناطق اشغالی می‌افزاید و دنیا را در مقابل اعمال انجام شده قرار می‌دهد".

در مورد اقدام آقای ترامپ در نقض حقوق ملل نه تنها شکست در سوریه نقش بازی کرده است، بلکه لابی‌های صهیونیست نیز عامل مهمی در این تصمیمگیری بوده‌اند. داماد شخص ترامپ حتی در توسعه ساختمانی شهرک‌های یهودی منافع مالی داشته و خودش از یهودیان اصولگرا (بخوانید حزب‌اللهی-توفان) صهیونیست است. غول شرکت معاملات

ملکی و کازینوی آمریکا شرکت شلدون آدلسون Sheldon Adelson بر اساس آمار فوربس ثروتی معادل ۳۷ میلیارد دلار دارد که در انتخابات آمریکا برای انتخاب ترامپ ۱۰۰ میلیون دلار بخشیده است. این شرکت فقط نقش قاطعی در تعیین رئیس جمهور در آمریکا ندارد، بلکه در اسرائیل هم نقش قطعی بازی می‌کند. وی برای یاری رساندن به نتانیاهو به روشهای دور زدن قوانین متوسل شده و با تاسیس شرکت‌های ساختگی برای انتخاب نتانیاهو بدل و بخشش می‌نماید.

یک خبرنگار اسرائیلی نظریه این آقای همه کاره و ثروتمند را چنین توصیف کرده است:

"اسرائیل در محاصره دشمنان قرار دارد... که با مذاکرات صلح تلاش می‌کنند اسرائیل را نابود کنند، چپهای اسرائیلی همه نیروهای دشمن را متحد کرده‌اند حتی آنهایی را که در طرف راست قرار دارند و هوادار نتانیاهو نیستند و می‌خواهند با کودتا از

انضمام "بلندیهای جولان" ...

واشنگتن کار دیگری نکرده جز اینکه واقعیت ۵۲ سال قبل را به رسمیت شناخته است. کسی که حق اسرائیل را در دفاع از خود برسمیت می‌شناسد حال فرصت دارد آنرا ثابت کند و نشان دهد که این بیانیه ارزش دارد."

اقدام ترامپ در نقض قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و بی‌احترامی به افکار عمومی مردم جهان به نحوی نیز انتقام از شکست مقتضایان آمریکا در سوریه است.

امپریالیسم آمریکا موفق نشد به یاری داعش و کردهای ناسیونال شونیست عراق و سوریه به مقاصد شومی که در منطقه در سر داشت برسد. داعش شکست خورد؛ عربستان سعودی بی‌اعتبار گشت، ترکیه برضد آمریکا واکنش نشان داد و دولت مشروع و قانونی بشار اسد برسرکار ماند و از نفوذ ایران در منطقه نیز کاسته نشد. این فشار شکست؛ ترامپ را به چنین واکنشی واداشت که اگر نه تمام سوریه بلکه بخش مهم استراتژیک آن را به اسرائیلی‌ها از کیسه خلیفه ببخشد.

نماینده روسیه با اشاره به حقوق ملل به آمریکا گوشزد کرد که این اقدامات به بی-ثباتی در منطقه دامن می‌زند. حتی نمایندگان اتحادیه اروپا نظیر بلژیک؛ آلمان؛ فرانسه؛ بریتانیا و لهستان نیز هشدار دادند که این اقدام یعنی به رسمیت شناختن بخش اشغال؛ عواقب ناگواری در منطقه به دنبال خواهد داشت. منظور آنها روشن است زیرا به این ترتیب فردا دولت آمریکا می‌تواند مناطق اشغالی سواحل غربی اردن را نیز به عنوان بخشی از سرزمین اسرائیل به رسمیت بشناسد و به روند عوامفریبانه صلح برای همیشه خاتمه دهد.

نماینده سوریه آقای الجعفری در شورای امنیت؛ بیانیه غیرقانونی آمریکا را از نظر حقوقی اخلاقی بی‌ارزش و مردود دانست. وی بیان کرد واشنگتن تلاش می‌کند تاریخ و جغرافیا و وجدان بشریت را دستکاری کند. چنانچه این اشغال بدون واکنش پذیرفته شود تنها یک راه می‌ماند و آنهم راه حل نظامی است.

همین سخنان را نشریه المنار لبنانی از قول حسن نصرالله بیان کرد که بخشی از کشورش هنوز در اشغال اسرائیل است:

"چنانچه سازمان ملل قادر نباشد از حقوق ملل دفاع کند فقط راه مقاومت باقی می‌ماند".

ما در جای خود آوردیم: "وقتی ما از اردوگاه امپریالیسم غرب صحبت می‌کنیم باید جای خاصی برای صهیونیسم اسرائیل در نظر بگیریم. این دستگاه جهانی صهیونیسم که توسط موسسه مشهور لابی یهودیان در آمریکا بنام "آیپک (AIPAC) کمیته روابط عمومی آمریکا اسرائیل (American Israel Public Affairs)

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

انضمام "بلندیهای جولان"...

حزب کار ایران (توفان) تقویت اسرائیل؛ تلاشی سوریه و تخریب این کشور؛ خرابکاری علیه لبنان و سرکوب ملت فلسطین را مجموعه سیاست واحدی علیه ایران و تدارک زمینه فشار و تجاوز به ایران دانسته آنرا محکوم می‌کند. حزب ما بر آن است که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در کار تجزیه ایران بوده و خواب سوریه را برای ما می‌بینند. رژیم جمهوری اسلامی نیز به جای تکیه بر مردم و بسیج آنها در دریای فساد و رشوه‌خواری غوطه می‌خورد. راه نجات ایران سرنگونی این رژیم با دست مردم ایران و برضد امپریالیسم و صهیونیسم جهانی و نوکران داخلی آنها می‌باشد.

دو خط مشی...

در کنگره ۲۰، که مانند لکه سیاهی بر دامان جنبش کمونیستی باقی خواهد ماند، همزمان با حملات خانناکه خروشچف به استالین، این خط مشی انقلابی جای خود را به خط مشی ضد انقلابی و ایده آلیستی و گذاشت که مبتنی بر سه اصل «همزیستی مسالمت آمیز»، «گذار مسالمت آمیز» و «مسابقه مسالمت آمیز» است. جان کلام این خط مشی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: با استفاده از برتری سیستم سوسیالیسم بر سیستم سرمایه‌داری و با تکیه بر مسابقه مسالمت آمیز با امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا می‌توان در فاصله زمانی کوتاهی سطح زندگی مردم شوروی را به پایه ایالات متحده رسانید و از او هم بالاتر برد و آنگاه توده‌های مردم در سراسر جهان به حقانیت سوسیالیسم و به لزوم آن پی- خواهند برد و برای استقرار آن خواهند کوشید. اما برای نیل به این هدف اتحاد شوروی به صلح نیازمند است. به ناچار لزوم حفظ صلح از راه همزیستی مسالمت آمیز در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. احزاب کمونیست می‌توانند و باید توده‌های مردم را نه به خاطر انقلاب، بلکه به خاطر حفظ صلح بسیج کنند، به خاطر حفظ صلح می‌توان و باید از استقلال ملی، از آزادی چشم پوشید، به سلطه امپریالیسم بر نیمی از سکنه جهان تن در داد، محرومیت و گرسنگی و زجر و شکنجه کشید و عصیان نکرد. این است ماهیت خط مشی همزیستی مسالمت آمیز خروشچف که ناسیونالیسم و شوینیسم ملت بزرگ از سر تا پای آن می‌تراود، این است خط مشی ایده آلیستی که مطلقاً واقعیت جهان را در نظر نمی‌گیرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی و در رأس آن خروشچف با تمام وسائلی که در اختیار

داشت کوشید این خط مشی ضد انقلابی را به تمام احزاب کمونیستی و کارگری به مثابه خط مشی جنبش کمونیستی به قبولاند، معذالک با آنکه در ابتدا هنوز خصلت ضد انقلابی این خط مشی و دامنه و اهمیت نتایج وخیم آن بر همه کس معلوم نبود مبارزه با آن آغاز گردید. طی این مبارزه احزاب وفادار به مارکسیسم-لنینیسم و در درجه اول حزب کمونیست چین و حزب کار البانی تمام کوشش خود را برای اصلاح این خط مشی به کار انداختند. در جلسات مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ آن‌ها موفق شدند بسیاری از اصول انقلابی را در اعلامیه‌های این جلسات به جای احکام ضد انقلابی به نشانند. ولی حزب کمونیست اتحاد شوروی از خط مشی ضد انقلابی خود دست برداشت و آن را به صورت فشرده‌تر و کاملتر در برنامه خود منعکس ساخت.

این خط مشی از همان آغاز، پسند خاطر امپریالیسم و ارتجاع و به ویژه امپریالیسم آمریکا افتاد. استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا دو هدف را دنبال می‌کند. از یک طرف می‌کوشد تضاد دنیای امپریالیسم و دنیای سوسیالیسم را، اکنون که حل آن از طریق جنگ امکان‌پذیر نیست، از راه «تکامل مسالمت آمیز» حل کند و با دگرگون ساختن ماهیت کشورهای سوسیالیستی، آن‌ها را به تدریج در جرگه کشورهای «دنیای آزاد» در آورد و از طرف دیگر از هر گونه انقلاب در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که به استقلال و آزادی آن‌ها می‌انجامد جلو گیرد و سلطه خود را بر روی این کشورها هم چنان حفظ کند. از این رو امپریالیسم آمریکا علاقه‌مند است که اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از کمک به جنبش‌های انقلابی منطقه توفان‌ها احتراز جویند. سیاست «همزیستی مسالمت آمیز» اتحاد شوروی به استقبال این دو هدف می‌شتابد. اتحاد شوروی با پیروی از این سیاست در دنبال همکاری با امپریالیسم آمریکا است. برای اینکه به اتفاق وی سلطه و نفوذ خود را بر جهان به گستراند و از بروز انقلاب در کشورهای دیگر که ممکن است به زیان این همکاری تمام شود جلوگیری به عمل آورد.

برای صحت این امر به این گفته «گرومیکو» وزیر امور خارجه شوروی گوش فرا دهید: «ما (شوروی و آمریکا) نیرومندترین کشورهای جهانیم. چنان که ما به سود صلح متحد شویم، جنگی به وقوع نخواهد پیوست. اگر دیوانه‌ای جنگ را آغاز کند کافی است ما با انگشت خود وی را تهدید کنیم تا آرام شود. اگر قراردادی میان رئیس دولت شوروی، خروشچف و رئیس

جمهور آمریکا، کندی منعقد گردد، راه حلی برای مسائل بین‌المللی که سرنوشت بشریت بدان‌ها وابسته است پیدا خواهد شد». با صراحتی که در این گفته به کار رفته هر گونه تفسیری زائد است.

انعکاس این خط مشی در ایران که همه شاهد زنده آن هستیم، عبارت است از اتحاد با ارتجاع سیاه و در رأس آن شاه علیه خلق ایران و آرایش اقدامات نو استعماری شاه برای منصرف ساختن توده‌های مردم از مبارزه با رژیم، پشتیبانی از رژیم خونین کودتا برای آنکه امپریالیست‌ها (بهتر بگوئیم امپریالیسم آمریکا) با فراغ خاطر به غارت ثروت کشور ما و تاراج دسترنج خلق زحمتکش آن مشغول باشد و رویزیونیست-های شوروی و دیگر کشورهای سابقاً سوسیالیستی را نیز از این نمد کلاهی باشد. همین خط مشی است که هم‌اکنون از طرف رویزیونیست‌های ایران در مقیاس کشور دنبال می‌شود. تئوری «عقب نشینی» امکان به دست آوردن آزادی و دموکراسی در کادر رژیم موجود، ستودن «انقلابات شاهانه»، تئوری «تقدم صلح بر استقلال ملی و بنابراین اتخاذ تاکتیک راه مسالمت آمیز انقلاب»، تئوری «نیل به استقلال و آزادی از راه کمک‌های اقتصادی شوروی»، تئوری «ساختن سوسیالیسم با دست طبقات و قشرهای غیر از طبقه کارگر (و لابد با دست طبقات حاکمه کنونی) و نظائر این‌ها، مظاهری از این خط مشی است. به طور خلاصه خط مشی مبتنی بر «همزیستی مسالمت آمیز» و «گذار مسالمت آمیز»، خط مشی است ضد انقلابی و ارتجاعی که به هیچ وجه با واقعیت کنونی جامعه بشری، جامعه‌ای که در تمام زوایا و گوشه‌های آن نیروهای انقلابی بپاخاسته و برای آزادی و استقلال ملی و سوسیالیسم می‌جنگند، سازگار نیست. این خط مشی، مشی رویزیونیسم با امپریالیسم و ارتجاع است. مبارزان راه انقلاب مدت هاست آن را محکوم ساخته و به‌دور انداخته اند.

در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ یعنی درست در پنج سال پیش حزب کمونیست چین خط مشی جنبش کمونیستی و مسائل مربوط به آن را در سندی مشتمل بر ۲۵ ماده تحت عنوان «پیشنهادات در باره خط مشی جنبش کمونیستی جهانی» تدوین کرد. این خط مشی به درستی مبتنی بر دو نشئه اساسی زیر است:

(۱) «مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی باید منعکس کننده قوانین عام تکامل تاریخ جهانی باشد. مبارزه انقلابی پرولتاریا و خلق‌های ممالک مختلف از مراحل مختلفی می‌گذرد و دارای خصایصی است که مختص به خود... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.

دو خط مشی...

آنهاست، ولی این مبارزه نمی‌تواند از دایره قوانین عام تکامل تاریخ جهانی خارج شود. مشی عمومی جنبش کمونیستی جهانی باید سمت اساسی مبارزه انقلابی را به پرولتاریا و به ملل کشورهای مختلف نشان دهد».

۲) «تعیین خط مشی عمومی باید بر اساس واقعیت موجود در جهان باشد، از تحلیل طبقاتی تضادهای اساسی جهان کنونی ناشی شود و علیه استراتژی جهانی ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا متوجه باشد».

واقعیت کنونی جهان بیش از هر موقع دیگر مساعد به حال مبارزه انقلابی است. دنیای سوسیالیسم از حدود یک کشور واحد فرا رفته، اکنون یک رشته از کشورها را در آسیا و اروپا و آمریکای لاتین در بر می‌گیرد. این کشورها با سرعت رشد می‌یابند و هر روز نیروی بیشتری می‌گیرند. رشد نیروی مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و مبارزه مداوم آن‌ها علیه امپریالیسم و ارتجاع و پشتیبانی بی‌قید و شرط آن‌ها از جنبش‌های آزادی بخش منطقه توفان‌ها، این کشورها را به صورت یکی از دو جریان بزرگ تاریخی عصر ما در می‌آورد که جریان دیگر آن جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک منطقه توفان هاست. امواج مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و نوکران پست و فرومایه آن سراسر منطقه توفان‌ها را فرا گرفته است و بر پیکر امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا ضربات مهلکی وارد می‌آورد.

وینتام قهرمان در جبهه مقدم این مبارزه و الهام بخش و سرمشق دیگر مبارزان انقلابی است. در کشورهای امپریالیستی مبارزه طبقه کارگر علیه انحصارها شدت می‌یابد، احزاب مارکسیستی-لنینیستی که به تازگی در این کشورها پدید آمده و رشد می‌کنند در پیشاپیش این مبارزه قرار گرفته و آن را رهبری می‌نمایند. در تاریخ هیچ گاه مبارزه خلق با امپریالیسم و نوکران دست نشانده آن به اندازه امروز دامنه دار نبوده است، هیچ‌گاه سطح آگاهی سیاسی توده‌های مردم در سطح کنونی قرار نداشته است. نیروی امپریالیسم و ارتجاع که پس از جنگ دوم

جهانی تضعیف شده، بر اثر مبارزه خلق‌ها دستخوش تزلزل بیشتر و بیشتری می‌گردد. امپریالیسم آمریکا سرکرده نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی گرفتار تضادهای بسیاری است که هر روز نیروی آن را بیشتر تحلیل می‌برد. به این ترتیب اوضاع و احوال جهان در مجموع خود به سود نیروهای انقلاب، به سود مبارزه انقلابی است. مشی عمومی جنبش کمونیستی که از طرف حزب کمونیست چین تدوین شده در انطباق با واقعیت جهان و بر اساس تحلیل طبقاتی جامعه معاصر است.

این مشی عمومی عبارت است از اتحاد کشورهای سوسیالیستی و اتحاد پرولترهای همه کشورها، اتحاد همه پرولترهای جهان با خلق‌های اسپر و محروم و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی به خاطر پیروزی کامل انقلاب پرولتاریائی جهانی و ایجاد جهان نوین، جهانی بدون امپریالیسم، بدون سرمایه‌داری، بدون استثمار.

«این مشی عمومی عبارت است از مشی ایجاد جبهه واحد وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی که تحت سرکردگی ایالات متحده آمریکا هستند. هسته اساسی این جبهه اردوگاه سوسیالیستی و پرولتاریای جهانی است. این مشی عمومی عبارت است از مشی بسیج جسورانه توده‌ها، افزایش نیروهای انقلابی، جلب نیروهای بینابینی و منفرد ساختن نیروهای ارتجاعی».

بر اساس این مشی عمومی احزاب مارکسیست-لنینیست مشی و سیاست مشخص خود را تنظیم می‌نمایند و «هنگام تنظیم مشی و سیاست مشخص برای کشورهای خود مراعات اصل در آمیختن حقیقت عام مارکسیسم-لنینیسم را با پراتیک مشخص انقلاب و ساختمان در کشورهای خود از نظر دور نمی‌دارند». از این رو وظیفه حزب پرولتری آنست که برپایه تئوری مارکسیسم-لنینیسم، شرایط تاریخی مشخص کشور خود را بررسی کند، استراتژی و تاکتیک صحیح و مناسبی برگزیند و توده‌های مردم را به سوی انقلاب

رهنمون گردد. سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان براساس این مشی عمومی و بررسی جامعه ایران، مشی خود را در سندی تحت عنوان «وظایف مبرم و فوری مارکسیست-لنینیست‌های ایران» تعیین کرده است. این مشی را می‌توان چنین خلاصه کرد: اتحاد طبقه کارگر ایران با توده‌های دهقانی و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع دموکراتیک ملی به رهبری طبقه کارگر علیه حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران به سرکردگی شاه و علیه حامیان امپریالیست آن، به خاطر استقرار حکومت دموکراسی نوین و پیشرفت به سوی سوسیالیسم.

پیروی از این مشی فقط در صورتی ممکن است که حزب مارکسیستی-لنینیستی طبقه کارگر در صحنه ایران بوجود آید، بدون چنین حزبی این خط مشی همچنان بر روی کاغذ باقی می‌ماند. از این رو است که سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان در درجه اول وظیفه مبرم و فوری احیاء حزب طبقه کارگر ایران را در برابر خویش گذارده و انجام آن را وجهه همت خویش قرار داده است."

به توفان در تلگرام خوش آمدید

از ارسال کمک به سیزدگان تشکر می‌کنیم
 فریدون ۵۰۰ یورو
 عباس از آمریکا ۵۰۰ دلار
 بابک از آلمان ۵۰ یورو
 رفیقی از ایالت باواریا در آلمان ۱۰۰ یورو
 رفیق خرم از آلمان ۱۰۰۰ یورو

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۵۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند**توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود**www.toufan.org**نشریات حزب کار ایران (توفان)**toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توئیتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

دو خط مشی

مقدمه

مقاله‌ای را که در زیر مطالعه می‌کنید در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ در شماره ۹ نشریه توفان ارگان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان منتشر شده است. اهمیت این مقاله در آن است که نظریات رویزیونیستی و نقش سازمان م-ل توفان در افشاء آنها را روشن می‌کند. در آن تاریخ جنبش کمونیستی ایران که از سقوط شوروی گنج شده بود، هنوز مضمون نظریات ارتجاعی خروشچف را نمی‌دانست و نمی‌فهمید. حزب رویزیونیستی توده ایران از این تزه‌های ضدانقلابی خروشچف شامل سه نظریه "همزیستی مسالمت‌آمیز؛ گذار مسالمت‌آمیز و مسابقه مسالمت‌آمیز" با قاطعیت ضدانقلابی دفاع می‌کرد و به این مفاهیم ضدانقلابی و ارتجاعی؛ مقولات رویزیونیستی دیگری نظیر "حزب تمام خلق" و "دولت تمام خلق" را نیز می‌افزود. سرپای مجلات دنیا و نشریه نامه مردم مملو از این نظریات ضدکمونیستی و حمایت از رویزیونیسم خروشچفی در جنبش کمونیستی بود. حمله به اعتبار و محبوبیت استالین آغاز این خرابکاری محسوب می‌شد که با اتهامات شرم‌آور خروشچف و دروغ‌هایش نسبت به شخصیت استالین؛ تجاوز به سوسیالیسم و نفی دستاوردهای آن آغاز گشت. حزب رویزیونیستی توده ایران در تمام این دوران سخنگوی خروشچف خائن و ردل در جنبش کمونیستی ایران بود. سازمان م-ل توفان رسالت افشاء رویزیونیسم در ایران را به عهده داشت و این وظیفه را با ایمان به انجام رسانید. تکامل دولت بورژوائی رویزیونیستی به سوسیال امپریالیسم شوروی؛ همدست امپریالیسم آمریکا و فروپاشی این سوسیال امپریالیسم در "مسابقه مسالمت‌آمیز" در رقابت با آمریکا، سقوط حزب توده ایران را که روزی مایه افتخار طبقه کارگر ایران بود به منجلا ب رویزیونیسم، نزدیکی با رژیم پهلوی و سپس رژیم جمهوری اسلامی به همراه آورد. حزب توده ایران نوکر مآب به دنبال روسها رفت و به امر انقلاب در ایران خیانت نمود. هستند هنوز افراد و گروه‌های آرمانپرست و دوستان سوسیالیسم که هضم این مسایل برایشان مشکل است و در سرگیجه‌گی آن دوران سیر می‌کنند. ولی بدون شناخت و مبارزه با رویزیونیسم و تاثیراتش در دولت شوروی و دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم؛ امکان ندارد این سردرگمی پایان بپذیرد. امروز مسئولیت انقلابی و کمونیستی حکم می‌کند از علائق و احساسات قابل فهم ولی غیرکمونیستی دست برداریم و صفوف واحد حزب طبقه کارگر ایران را تقویت کنیم. مقاله زیر تاریخی از این مبارزه است که هنوز بعد از بیش از نیم قرن ادامه دارد.

"استالین بزرگ از همان نخستین سالهای پس از انقلاب اکتبر بر آن بود که کار انقلاب، به پیروزی انقلاب سوسیالیستی در اتحاد شوروی خاتمه نمی‌یابد، بلکه وارد مرحله جدیدی می‌شود، مرحله انقلاب در مقیاس جهانی، به منظور نابودی امپریالیسم و پیروزی سوسیالیسم از طریق اتحاد انقلاب پرولتاریائی با جنبش آزادی بخش کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره. این به هیچ وجه به معنی «تازاندن» انقلاب نبود، به این معنی نبود که باید بیدرنگ از راه جنگ به این منظور نائل آمد. به معنی صدور انقلاب هم نبود و نمی‌توانست باشد، زیرا اندکی پس از جنگ جهانی اول تا مدتی انقلاب در کشورها در حال فروکش بود. اما به این معنی بود که کمونیست‌ها باید سیاست خود را بر این خط مشی پایه بگذارند و فعالیت خود را بر این اساس سازمان دهند. استالین تا زمانی که در راس حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار داشت به این خط مشی انقلابی وفادار ماند. با امپریالیسم و ارتجاع با استحکام و قاطعیت مبارزه کرد. به توده های خلق در مبارزاتشان علیه امپریالیسم و ارتجاع صمیمانه کمک رسانید. ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 230 mar. 2019

انضمام "بلندیهای جولان" توسط صهیونیسم؛ نقض بی‌شرمانه موازین جهانی

دولت صهیونیستی اسرائیل بلندیهای جولان را که در تجاوز سال ۱۹۶۷ اشغال کرده بود ضمیمه خاک خودش کرد. این اقدام دولت اسرائیل با حمایت آشکار دولت آمریکا صورت گرفت.

دونالد ترامپ در روز دوشنبه در حضور نتانیا هو فرمانی را امضاء کرد که به موجب آن "بلندیهای جولان" که بخش اشغال شده خاک سوریه است به عنوان خاک اسرائیل به رسمیت شناخته شد. ترامپ از کیسه خلیفه بخشید و بخشی از خاک سوریه را به صهیونیسم اسرائیل تقدیم کرد. متعاقب آن دولت سوریه خواهان نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل شد که در این شورا سیاست آمریکا نسبت به اشغال "بلندیهای جولان" رد گردید. همزمان با این وضعیت دولت اسرائیل برای اینکه گردن-کفتی و گردن‌کشی خود را به رخ جهانیان بکشاند با نیروی هوایی خویش بطور غیرقانونی برای ... ادامه در صفحه ۴

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکاتبات
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند